

مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی-پژوهشی، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شمارهٔ پیاپی ۱۶

حامد مولایی کوهبنانی (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)^۱
دکتر عباسعلی آهنگر (دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران)^۲

اطلس آوایی کوهبنان: رسم نخستین اطلس گویشی استان کرمان

چکیده

در پژوهش حاضر اطلس زبانی منطقهٔ کوهبنان، به عنوان اولین اطلس زبانی ثبت شده در سازمان میراث فرهنگی استان کرمان، معرفی شده است. بر این اساس توزیع جغرافیایی متغیرهای واجی و واژگانی منطقه کوهبنان مورد بررسی قرار گرفته‌اند و با توجه به تفاوت‌های موجود در گویش سی منطقهٔ مورد بررسی، اطلس زبانی مناطق مورد نظر رسم شده است. بررسی متغیرهای واجی، در قالب متغیرهای واکه‌ای، متغیرهای همخوانی و متغیرهای مربوط به ساخت هجا و نیز متغیرهای واژگانی نشان می‌دهد که گویش مناطق مورد بررسی دارای ویژگی‌های تمایز دهنده‌ای است. اطلس زبانی منطقه نیز نشان دهندهٔ آن است که به جهت وجود تفاوت در رفتار زبانی گویشوران دو منطقهٔ کوهبنان و خرم‌دشت، باید قائل به وجود دو لهجهٔ متفاوت در این مناطق شد.
کلید واژه‌ها: اطلس زبانی، گویش کوهبنانی، فرایند واجی، فرایند واژگانی.

۱. مقدمه

مطالعات گویش‌شناسی در ایران سابقهٔ چندانی ندارد و نخستین کارهای گویش‌شناسی در این زمینه را غیرایرانی‌ها انجام داده‌اند. براساس نظر ارانسکی (ترجمه صادقی، ۱۳۸۶: ۱۹) اهمیت مواد زبان‌های ایرانی در زبان‌شناسی اروپا از آغاز قرن نوزدهم آشکار شد و آثار متعددی دربارهٔ جنبه‌های خاص آواشناسی و نظام دستوری زبان‌های مختلف ایرانی انجام گرفت. به اعتقاد جهانگیری (۱۳۶۵: ۳۵۶) از آنجایی که عوامل جغرافیایی در تغییرات زبانی دارای نقش هستند، وجه مشترکی بین زبان‌شناسی و جغرافیا در این زمینه به وجود می‌آید که از آن با عنوان گویش‌شناسی جغرافیایی یاد می‌شود. بر طبق تراسک (۲۰۰۷: ۱۸۴) انجام

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۳۰

1. h.molaei@vru.ac.ir

2. ahangar@english.usb.ac.ir

پست الکترونیکی:

پژوهش در زمینه گویش‌شناسی جغرافیایی به دو شیوه «توصیفی» و «مقایسه‌ای» انجام می‌پذیرد. شیوه توصیفی رایج‌ترین شیوه در مطالعات گویش‌شناسی جغرافیایی محسوب می‌شود که برای معرفی گویش‌های یک کشور یا یک منطقه به کار می‌رود. در شیوه مقایسه‌ای، اغلب گویش یک منطقه خاص با گویش معیار سنجیده می‌شود و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن بیان می‌شود. از جمله کارهای مهم گویش‌شناسی جغرافیایی کشف خط مرزهای همگویی، ترسیم نقشه‌های گویشی^۱ و تهیه اطلس‌های گویشی^۲ به عنوان مجموعه‌ای از نقشه‌های زبانی بوده است. نقشه‌های زبانی، نواحی جغرافیایی مختلفی را که در آنها تنوعات و ویژگی‌های گویشی خاصی در گفتار گویشوران نواحی گویشی گوناگون وقوع می‌یابند، نمایش می‌دهند. براساس چمبرز و ترادگیل (۲۰۰۴) نقشه‌های گویشی به دو صورت «نمایشی^۳» و «تفسیری^۴» می‌باشند؛ نقشه‌های نمایشی صرفاً پاسخ‌های فهرست شده برای یک عنصر خاص را روی نقشه نشان می‌دهند و موقعیت آن را بر روی نقشه جغرافیایی مشخص می‌کنند، در حالی که در نقشه‌های تفسیری سعی می‌شود توضیحات بیشتری در مورد چگونگی توزیع گونه‌های غالب در مناطق مختلف داده شود بدهند. چمبرز و ترادگیل عقیده دارند تاکنون اکثر اطلس‌های زبانی مشهور همچون اطلس زبانی فرانسه از گیلرون، اطلس زبانی انگلستان جدید از کوراث و اطلس واجی منطقه شمالی از کلپ^۵ به صورت نقشه‌های نمایشی انتشار یافته‌اند و تنها در اطلس زبانی انگلستان از ارتون و رایت^۶ از نقشه‌های تفسیری استفاده شده است. تقسیمات گویش‌ها به وسیله خط مرزهای زبانی نشان داده می‌شوند. خط مرزهای هم‌گویی دو یا چند ناحیه گویشی^۷ را از یکدیگر جدا می‌کنند. کامری (ترجمه گلفام، ۱۳۷۸: ۵۸) خط مرزهای زبانی را خطوطی می‌داند که روی نقشه، نمایش دهنده مکان جدایی قلمرو صورت یا تلفظ واژه‌ای از صورتی یا تلفظ دیگری از آن واژه است. وی عقیده دارد که این تفاوت‌ها گاهی اوقات بسیار تدریجی هستند.

-
1. Dialect Maps
 2. Dialect Atlases
 3. Display
 4. Interpretive
 5. Kolp
 6. Orton & Wright
 7. Dialect Areas

اطلس زبانی کوهبنان در دو منطقه کوهبنان و خرمدشت واقع در شهرستان کوهبنان تهیه شده است. در تهیه پرسش‌نامه، فهرستی از صورت‌های فارسی میانه مشاهده شده در گفتار گویشوران گنجانده شده است؛ این صورت‌ها که با صورت‌های زبان فارسی میانه برگرفته از «فرهنگ کوچک زبان پهلوی»، تالیف «دیوید نیل مکزی»، ترجمه مهشید میرفخرایی (۱۳۷۹) تطبیق داده شدند. گ. پس از تهیه صورت‌های زبانی به صورت واج‌نویسی شده از تمام سی منطقه مورد بررسی، داده‌ها توصیف و تحلیل شد و توزیع هر کدام از صورت‌های زبانی استخراج شده از پرسش‌نامه، بر روی نقشه‌ای جداگانه نشان داده شد. ترسیم خط مرزهای هم-گویی بر روی نقشه با استفاده از نرم افزار جغرافیایی جی آی اس^۱ انجام گرفت. در این پژوهش با توجه به حجم مقاله، تنها به بررسی فرایندهای واجی مشاهده شده در پیکره زبانی گویشوران کوهبنانی پرداخته خواهد شد و از اشاره به فرایندهای واژگانی اطلس زبانی کوهبنان اجتناب شده است. براین اساس از هر فرایند واجی تنها یک مثال ذکر شده است و به منظور حفظ تناسب ساختاری مقاله تنها سیزده نقشه زبانی به طور تصادفی به عنوان نمونه ارائه شده است. نقشه‌های گویشی این پژوهش به صورت نمایشی می‌باشند؛ چراکه پاسخ‌های فهرست شده برای هر واژه را روی نقشه نشان می‌دهند.

۲. پیشینه پژوهش

در بیشتر کارهای صورت گرفته در حوزه توصیف گویش‌های ایرانی با استفاده از اطلس زبانی، اطلس زبانی انگلستان (۱۹۷۸) که توسط اورتن و رایت، ساندرسون^۲ و ویدوسون^۳ تدوین شده، مبنای کار بوده است. در اطلس زبانی انگلستان، پس از معرفی اجمالی گویش‌های انگلیسی، چهار نقشه آوایی، واژگانی، صرفی و نحوی ارائه شده است. در بیشتر کشورهای دنیا اطلس زبانی گویش‌ها، تدوین شده و یا در حال تدوین است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد. کوراث (۱۹۴۹) نخستین بار با شیوه‌ای علمی به گردآوری گویش‌ها و تنوعات انگلیسی آمریکایی اقدام کرد. وی با انگیزه شناسایی تفاوت‌ها و تنوعات تلفظی ساکنان شهرهای شمالی کشور آمریکا به گردآوری و ثبت این تنوعات پرداخت و سپس یافته‌های این

1. ARC GIS

2. S.Sanderson

3. J.Widdowson

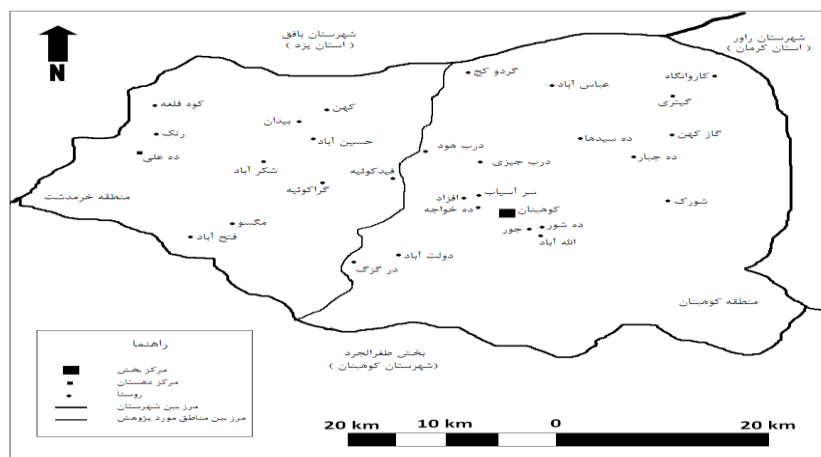
تحقیق میدانی را در نقشه‌های جغرافیایی ثبت کرد. نتایج پژوهش وی نشان‌دهنده گسترده‌گی گویش‌ها در این منطقه می‌باشد. یوهانسون (۲۰۰۱) در پژوهش خود که به نوعی متفاوت با سایر پژوهش‌های متداول در این زمینه محسوب می‌شود، به مرور پراکندگی جغرافیایی گونه‌های مختلف ترکی می‌پردازد. این پژوهش فاقد نقشه است؛ بنابراین، نمی‌توان به کمک آن مرزهای دقیق یا نسبی جدایی گونه‌های مختلف ترکی را از هم تشخیص داد. یوهانسون تنها به توصیف پراکندگی گونه‌های مختلف زبان ترکی در کشور ترکیه و همسایگان آن تا کشور چین و سیبری می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در حال حاضر بیست زبان ترکی معیار توسط ۱۲۵ میلیون نفر تکلم می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از ترکی، آذربایجانی، ترکمن، قزاقی، ازبکی، تاتار و یاکوت. برور (۲۰۰۸) نیز در گزارشی از اطلس زبانی کشور تایوان، تنوعات زبانی آن را تحت تأثیر عواملی چون سن، جنسیت، قومیت، تحصیلات، شغل و سابقه اقامت در قالب نقشه‌های زبانی، ارائه می‌دهد. در این طرح، وی بیش از هزار و چهار صد مورد از گفتار روزمره مردم را روی نوار ضبط صوت یا لوح فشرده پیاده کرده و نتایج آن را روی اطلس‌های زبانی نشان داده است. بلنچ (۲۰۰۹) نیز به بررسی چگونگی توزیع تنوع ۵۰۰ زبان، در کشور آفریقای نیجریه پرداخته است. وی در این پژوهش عنوان می‌کند که تنوعات زبانی در این کشور بسیار گسترده است که ضبط و ثبت این تغییرات ارزش بسیار زیادی دارد. البته وی اشاره ای به دلیل این تنوعات زبانی نکرده و تنها به طبقه بندی جغرافیایی آنها، در این بخش از قاره آفریقا اکتفا کرده است.

نخستین کار در مورد مطالعات مربوط به اطلس زبانی در ایران، در قالب اقدامی مشترک از سوی فرهنگستان زبان ایران و سازمان جغرافیایی کشور در سال ۱۳۵۳ با عنوان «طرح فرهنگ ساز» به انجام رسید که پس از چهار سال متوقف شد. در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ کار بررسی گویش‌ها به منظور تهیه اطلس زبانی از سر گرفته شد و اطلاعاتی به داده‌های جمع آوری شده اضافه شد. برنامه‌ریزی‌های اولیه برای تهیه اطلس زبانی ایران پس از وقفه ای چند ساله، از سال ۸۰ تا ۸۵ انجام شد و از سال ۸۵ این پروژه به صورت عملی کلید خورد که در مرحله ورود اطلاعات زبانی، طی سال‌های ۸۵ تا ۸۶ آوا نویسی بخش بسیار ارزشمندی از ۱۰ هزار داده زبانی انجام شد. این طرح در سال ۱۳۸۵ به کوشش پرمون تدوین شده است. علاوه بر این در سال‌های اخیر مقالاتی در این زمینه به چاپ رسیده است. اسماعیلی و کنعانی (۱۳۸۹) در

مقاله‌ای به ارائه الگویی برای تهیه اطلس زبانی گویش‌های مناطق کویری می‌پردازند. به اعتقاد آن‌ها با توجه به تنوعات گسترده گویشی در مناطق کویری یکی از بهترین راهکارها برای بررسی دقیق‌تر این گویش‌ها ترسیم مرزهای زبانی بین گویش‌ها و تهیه اطلس زبانی این مناطق می‌باشد. در این مقاله کلیه گویش‌های مناطق کویری مورد استفاده در ۸ استان کویری ایران به صورت فهرست وار معرفی می‌شوند. بصیرت و رضاقلی فامیان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان به سوی طراحی اطلس زبانی گویش گیلکی به معرفی اطلسی بر مبنای صد واژه پرداخته‌اند. به اعتقاد نگارندگان به کمک چنین اطلسی می‌توان مرز گویش‌های گیلکی، تالشی و ترکی را نیز در استان گیلان نمایش داد. الیاسی (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی اقدام به معرفی اطلس زبانی منطقه حدفاصل تربت جام تا شهر مشهد کرده است. این اطلس بر پایه اطلس زبانی انگلستان رسم شده است. پژوهش الیاسی از دو جهت نسبت به سایر پژوهش‌های ایرانی متمایز می‌باشد. نخست اینکه وی در بررسی ۱۰۰ صورت زبانی از هر سه متغیر واجی، واژگانی و نحوی استفاده کرده است. ویژگی متمایز دیگر این اطلس نیز این می‌باشد که برخلاف باور عمومی در حوزه گویش‌شناسی جغرافیایی، جامعه زبانی این پژوهش را افراد جوان- بین ۱۰ تا ۲۰ سال- تشکیل می‌دهند. پژوهش وی در ۲۵ نقطه - ۱۰ نقطه از تربت جام و ۱۵ نقطه از مشهد- انجام گرفته است. وی معتقد است این اطلس می‌تواند اطلاعات بسیاری از گفتار سخن‌گویان این منطقه در این مرحله از تاریخ زبان فارسی به دست دهد.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

اطلس زبانی کوهبنان شامل داده‌های جمع‌آوری شده در قالب فرآیندهای واجی (واکه‌ای، همخوانی و ساخت هجا) و واژگانی روی نقشه راهنمای مناطق مورد پژوهش می‌باشد. متغیرهای واجی شناسایی شده در پیکره زبانی جمع‌آوری شده را می‌توان بر اساس شیوه تولید و طبیعت واجی‌شان، به سه طبقه متغیرهای واکه‌ای، متغیرهای همخوانی و متغیرهای مربوط به ساخت هجا تقسیم کرد.



نقشه ۱. نقشه راهنمای مناطق مورد پژوهش

۱.۳. متغیرهای واکه‌ای

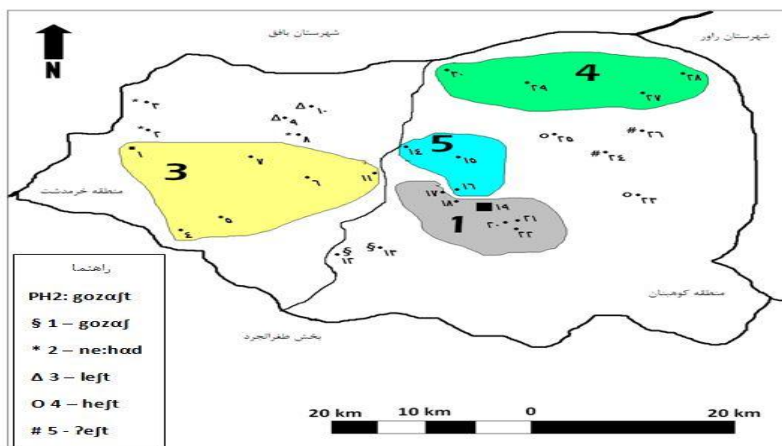
متغیرهای واکه‌ای مشاهده شده در قالب تبدیل یک واکه به واکه دیگر و یا حفظ واکه به لحاظ بررسی در زمانی آن با دوره میانه می باشند. متغیرهای واکه‌ای از لحاظ کیفیت گفتار به دو دسته واکه های ساده و مرکب تقسیم می شوند. در گویش کوهبنانی هر شش واکه ساده فارسی معیار وجود دارد. در ادامه به بررسی چگونگی تحقق فرآیندهای واکه‌ای در گویش کوهبنانی می پردازیم.

الف) افراستگی واکه‌ای

PH1 : doʃnam : واکه /a/ در کلیه مناطق مورد پژوهش افراشته و به صورت /u/ تلفظ می شود. این افراستگی به جز در چهار روستای خرم‌دشت که صورت /do:ʃnam/ به کار می رود، در بقیه مناطق، همراه با حذف همخوان خیشومی پایانی /m/ می باشد. بنابراین، این واژه به صورت های /doʃpũ/، /doʃbũ/ و /doʃnũ/ به کار می رود.

PH2 : gozaʃt : واکه /a/ در این متغیر در هشت روستای منطقه کوهبنان دچار افراستگی واکه‌ای می شود و به صورت /o/ تلفظ می شود که این فرآیند همراه با حذف /t/ پایانی می باشد. بنابراین، این واژه در این هشت نقطه مورد پژوهش به صورت /gozoʃt/ به کار می رود. در سه روستای رتک، کهن و بیدان /ne:had/ به کار می رود که احتمالاً بازمانده صورت زبانی این واژه در دوران میانه زبان فارسی (/nihad/) (مکنزی، ۱۳۷۹: ۲۹۱) می باشد. هجای اول این متغیر در نوزده روستای دیگر حذف می شود و واکه /a/ هجای دوم طبق فرایند افراستگی

پیشین شدگی تبدیل به واکه /e/ می شود. بنابراین، این متغیر در منطقه کوهبنان به صورت های /peft/ و /heft/ تلفظ می شود. در هشت روستای خرمداشت، صورت /left/ به کار می رود.



نقشه ۲. نقشه توزیع متغیر واجی /gozajt/

PH3: pæfiman: واکه /æ/ در این متغیر در تمامی مناطق افراشته می شود و به /e/ تبدیل می شود. این واژه در منطقه خرمداشت به صورت های /pefjimũ/ و /pefemũ/ و در منطقه کوهبنان به صورت های /pefemũ/ و /pefejmmũ/ به کار می رود.

ب) افتادگی واکه ای

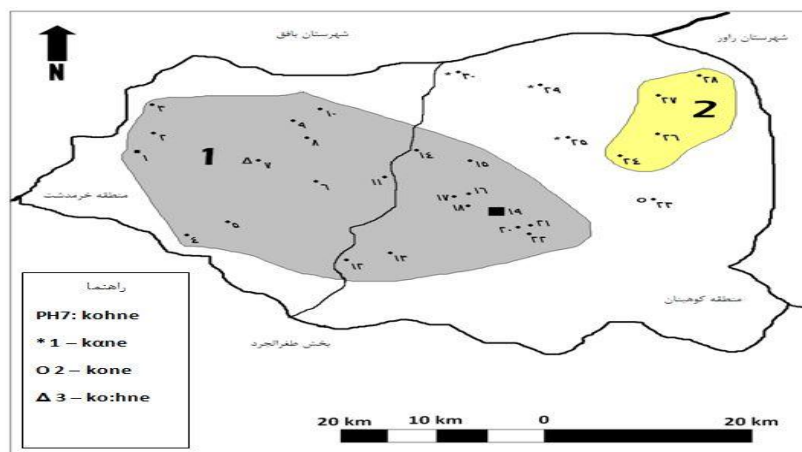
PH4: risman: واکه /i/ به جز در نه روستای منطقه خرمداشت که صورت /ri:smũ/ کاربرد دارد و دچار کشش آوایی می شود، در سایر مناطق مورد پژوهش افتاده می شود و به صورت /e/ تلفظ می شود. در هشت منطقه مشاهده شده که در واژه /risman/ علاوه بر افتادگی واکه ای، همخوان /m/ به همخوان /b/ تغییر می کند تا صورت /resbũ/ کاربرد پیدا کند و در سایر مناطق مورد پژوهش صورت /resmũ/ به کار می رود.

PH5: hefðæh: واکه /e/ فارسی معیار به جز در هشت نقطه از کوهبنان که دچار افراشتهگی واکه ای می شود و این واژه در این مناطق به صورت /hivdæ/ به کار می رود، در بقیه مناطق مورد پژوهش به واکه /æ/ تبدیل می شود و افتادگی واکه ای رخ می دهد. کاربرد واکه /æ/ به جای واکه /e/ معیار در این مناطق نشان می دهد که در روند تغییر واکه /æ/ به /e/ از فارسی میانه به فارسی جدید، این مناطق دچار تغییر نشده اند و همچنان واکه /æ/ فارسی میانه

را مورد استفاده قرار می‌دهند. بنابراین، در ده نقطه صورت /hævdæ/ و در سایر مناطق صورت /hæbdæ/ به کار می‌رود.

PH6 : bute : واژه /u/ فارسی معیار در تمامی مناطق مورد پژوهش به صورت /o/ تلفظ می‌شود و در نتیجه فرآیند افتادگی واژه‌ای رخ می‌دهد. بنابراین، این واژه در کلیه مناطق مورد پژوهش به صورت /bote/ کاربرد دارد.

PH7 : kohne : واژه /o/ فارسی معیار به جز در یک مورد در روستای شکرآباد که صورت /ko:hne/ کاربرد دارد و پنج روستای شورک، ده جبار، گازکهن، گیتیری و کاروانگاه که صورت /ko:ne/ به کار می‌رود، در سایر مناطق مورد پژوهش دچار افتادگی واژه‌ای می‌شود و تبدیل به /a/ می‌شود. بنابراین، در بیست و چهار نقطه این متغیر به صورت /kane/ تلفظ می‌شود.



نقشه ۳. نقشه توزیع متغیر واجی /kohne/

پ (پیشین شدگی واژه ای

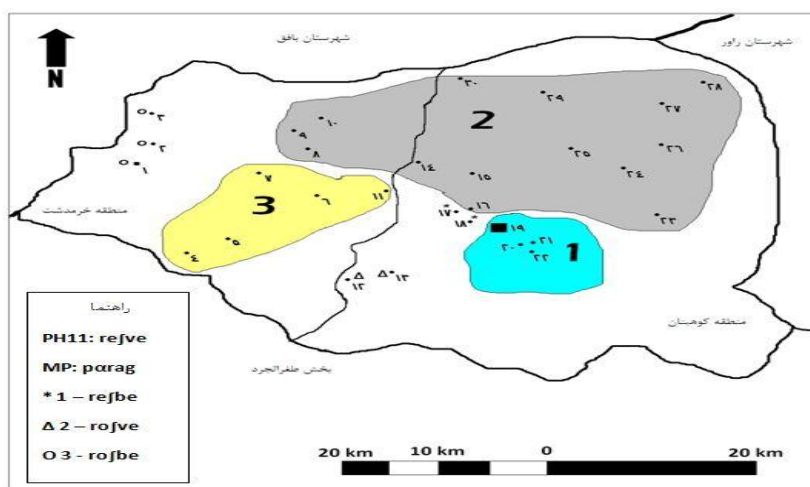
PH8 : tufan : واژه /u/ فارسی به جز در شش روستای منطقه کوهبنان در واژه /tufan/ که باقی می‌ماند در بقیه نقاط مورد پژوهش دچار پیشین‌شدگی شده است و به صورت /i/ تلفظ می‌گردد.

PH9 : bodo : واژه /o/ فارسی معیار در کلیه مناطق مورد پژوهش دچار پیشین‌شدگی شده و تبدیل به /e/ می‌شود. بنابراین، این واژه به صورت /bode/ کاربرد دارد.

PH10 : ʔa:ftab : در کلیه مناطق مورد پژوهش، واکه /a/ فارسی در هجای اول به صورت /æ/ تلفظ می‌شود و بنابراین پیشین‌شدگی واکه‌ای رخ می‌دهد. واکه /a/ هجای دوم نیز در هفده منطقه مورد بررسی به واکه مرکب /eu/ تبدیل می‌شود؛ بنابراین در این مناطق صورت / ʔæfteu / کاربرد دارد. واکه /a/ هجای دوم در شش روستای منطقه خرم‌دشت نیز به واکه مرکب /ou/ تبدیل شده است و این متغیر به صورت / ʔæftou / به کار می‌رود و در هفت روستاهای کوهبنان نیز به واکه /e/ تغییر می‌کند و افزایش پیشین‌شدگی واکه‌ای (/ ʔæfte /) رخ می‌دهد.

ت) پسین‌شدگی واکه‌ای

PH11 : refve : واکه /e/ در گویش کوهبنانی به جز در شش نقطه کوهبنان (/ refbe /)، در سایر مناطق مورد پژوهش به /o/ تبدیل شده و صورت‌های / rojve / یا / rojbe / کاربرد دارد.

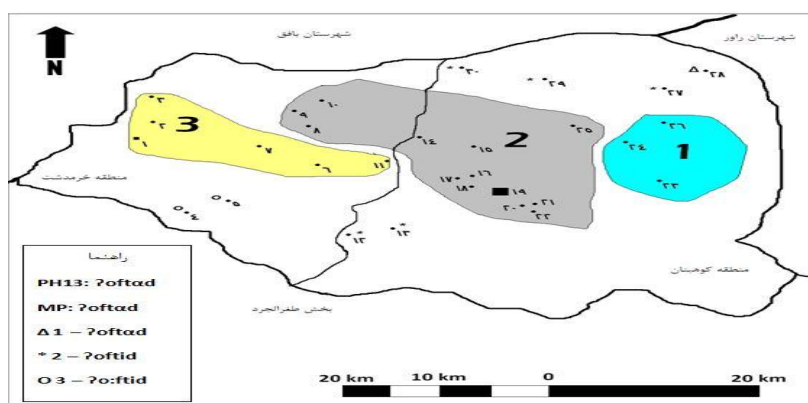


نقشه ۴. نقشه توزیع متغیر واجی / refve /

PH12 : ʔæ:rus : واکه /æ/ در تمامی نقاط مورد پژوهش به واکه /a/ تبدیل شده است. در تمامی روستاهای منطقه خرم‌دشت، واکه مورد نظر علاوه بر پسین‌شدگی دچار کشیده‌شدگی آوایی نیز می‌شود و صورت / ʔa:rus / به کار می‌رود و در سایر مناطق به صورت / ʔarus / تلفظ می‌شود.

ث) افراشتگی - پیشین‌شدگی واکه‌ای

PH13 : /ɔftad/ : به جز در چهار روستای کوهبنان که صورت معیار کاربرد دارد، در سایر مناطق مورد پژوهش واکه /a/ فارسی به واکه /i/ تبدیل می‌شود. در کلیه روستاهای خرم-دشت به جز در حسین آباد، بیدان و کهن واکه /o/ هجای اول به صورت کشیده تلفظ می‌شود (/ɔ:ftid/); در سایر مناطق به صورت /ɔftid/ تلفظ می‌شود.



نقشه ۵. نقشه توزیع متغیر واجی /ɔftad/

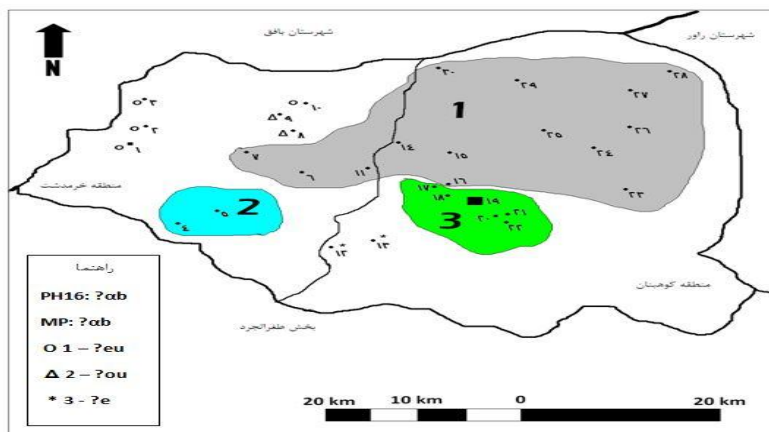
PH14 : /bavær/ : واکه /a/ فارسی به جز در شش نقطه کوهبنان دچار مرکب‌شدگی می‌شود و باعث کاربرد آن به صورت /beuvær/ می‌شود، در بقیه نقاط مورد پژوهش به صورت /e/ تلفظ می‌شود. در شش روستای خرم‌دشت صورت /be:vær/ به کار می‌رود و در بقیه مناطقی که افراشتگی - پیشین‌شدگی رخ می‌دهد صورت /bevær/ کاربرد دارد.

ج) افراشتگی - پسین‌شدگی واکه‌ای

PH15 : /xonæk/ : واکه /æ/ فارسی در بیشتر مناطق مورد پژوهش دچار افراشتگی - پسین‌شدگی و تبدیل به واکه /o/ می‌شود. بنابراین، این متغیر به جز در ده روستا که فرآیند افراشتگی رخ می‌دهد و صورت /xonek/ کاربرد دارد، در سایر مناطق مورد پژوهش با توجه به اعمال فرآیند افراشتگی - پسین‌شدگی واکه‌ای به صورت /xonok/ به کار می‌رود. این کاربرد را می‌توان از جنبه اعمال فرآیند همگونی واکه‌ای نیز توجیه کرد.

چ (مرکب شدگی واکه‌ای

PH16: ʔab : واکه /a/ فارسی معیار در تعدادی از مناطق مورد پژوهش، همراه با حذف همخوان پس از خودش، تبدیل به واکه مرکب /eu/ می شود. این واکه به جز در هشت نقطه کوهبنان که به /e/ تبدیل می شود و صورت / ʔe / کاربرد دارد، در سایر مناطق تبدیل به واکه مرکب می شود و مرکب شدگی واکه‌ای صورت می گیرد. این واکه در بیدان، حسین آباد، فتح آباد و مگسو تبدیل به /ou/ می شود و این واژه در این مناطق به صورت / ʔou / به کار می رود. در هجده منطقه باقی مانده نیز این واکه به واکه مرکب /eu/ تبدیل می شود و صورت / ʔeu / تلفظ می شود.

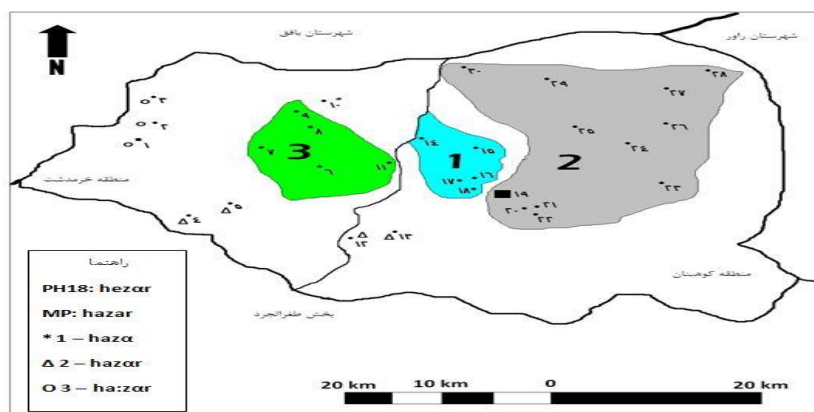
نقشه ۶. نقشه توزیع متغیر واجی / ʔab /

PH17: ʔæb : واکه /æ/ فارسی معیار به جز در هشت نقطه کوهبنان که تبدیل به /e/ می شود، در سایر مناطق با حذف همخوان بعدی خود تبدیل به واکه مرکب /eu/ می شود. بنابراین در هشت نقطه یاد شده صورت / ʔe / و در سایر مناطق صورت / ʔeu / به کار می رود.

ح (حفظ واکه های دوره میانه فارسی

PH18: *hezar*: واکه /æ/ فارسی میانه (مکنزی، ۱۳۷۹: ۳۲۲) به جز در شش روستای کوهبنان که تبدیل به واکه معیار /e/ شده است و صورت زبانی /*heza*/ کاربرد دارد، در سایر مناطق مورد پژوهش همچنان حفظ شده است. در هشت روستای خرمدشت واکه /æ/ فارسی

میان‌ه‌ دچار کشش آوایی نیز می‌شود و این واژه به صورت /hæ:zar/ به کار می‌رود و در سایر مناطق مورد پژوهش صورت /hæzar/ کاربرد دارد.



نقشه ۷. نقشه توزیع متغیر واجی /hezar/

بر خلاف واژه‌های ساده که به هنگام تولید آن‌ها وضعیت زبان و لب‌ها ثابت است، در برخی زبان‌ها، دسته دیگری از واژه‌ها نیز هست که از راه جابه‌جایی یا تغییر در وضعیت زبان و لب‌ها تولید می‌شوند (کار، ۲۰۰۶: ۳۳). در این بخش به اعمال فرآیند ساده‌شدگی برخی واژه‌های مرکب فارسی معیار در گویش کوهبنانی خواهیم پرداخت.

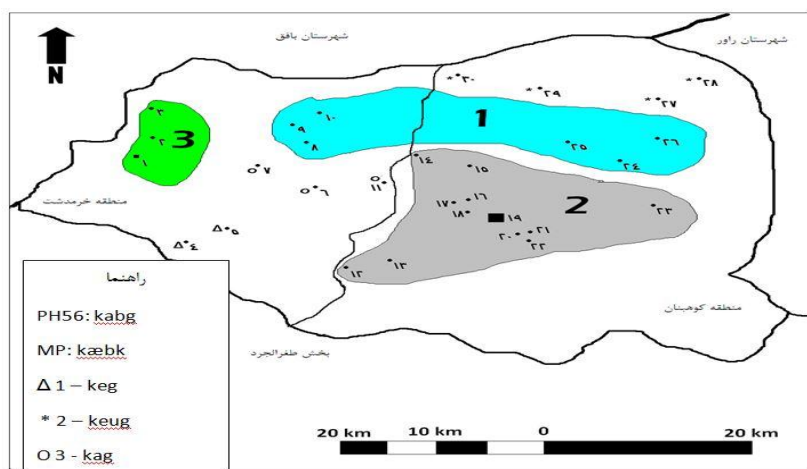
PH19 : fəuhær: واژه مرکب /ou/ به جز در هشت منطقه کوهبنان که تبدیل به واژه مرکب /eu/ می‌شود و صورت زبانی /fəuhær/ کاربرد دارد، در بقیه مناطق تبدیل به واژه ساده /u/ می‌شود. در هشت روستای خرم‌دشت همراه با حذف همخوان چاکنایی /h/ و کشیدگی واژه ساده می‌باشد و این واژه به صورت /u:ɪ/ به کار می‌رود. در چهارده منطقه دیگر نیز این واژه به صورت /fəuhær/ تلفظ می‌شود.

PH20 : ?əulad: واژه مرکب /ou/ به جز در در هفت روستای خرم‌دشت که بدون تغییر باقی می‌ماند و صورت معیار /?əulad/ در این مناطق کاربرد دارد، در سایر مناطق به واژه ساده /o/ تبدیل می‌شود و ساده‌شدگی واژه‌ای (/?əulad/) رخ می‌دهد.

۲.۳. متغیرهای همخوانی

متغیرهای همخوانی این پژوهش شامل فرایندهای حذف، درج، تبدیل، همگونی و قلب هستند. در ابتدا، به برخی نمونه‌های حذف همخوانی در گویش کوهبنانی پرداخته می‌شود.

PH21 : $kæbk$: همخوان /b/ میانی فارسی در کلیه مناطق حذف و همخوان انسدادی /k/ پایانی تبدیل به همخوان /g/ می شود. حذف همخوان انسدادی /b/ به جز در شش نقطه خرمدشت که صورت /kæg/ را به کار می برند، در شانزده منطقه دیگر باعث تبدیل واکه /æ/ به واکه مرکب /eu/ می شود و صورت /keug/ کاربرد پیدا می کند. در هشت روستای دیگر نیز این واکه به /e/ تبدیل می شود و بنابراین در این مناطق صورت زبانی /ke/ به کار می رود.



نقشه ۸. نقشه توزیع متغیر واجی /kæbk/

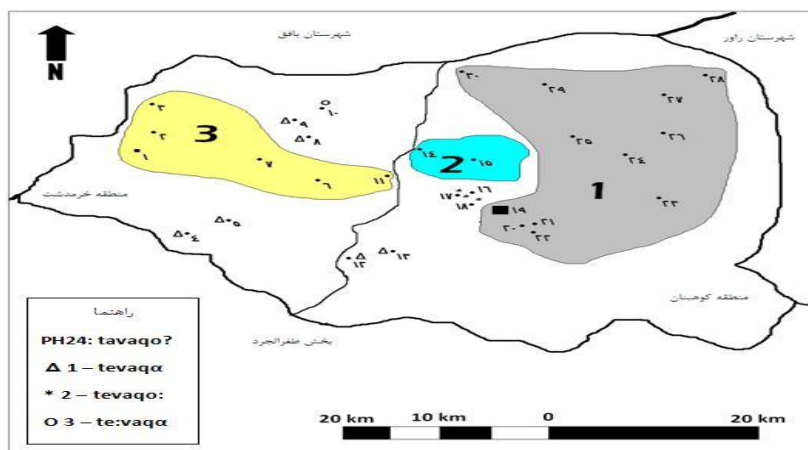
PH21 : $ʔestekan$: همخوان میانی /t/ در این متغیر به جز در چهار نقطه کوهبنان که باقی می ماند، در سایر مناطق مورد پژوهش حذف می شود. علاوه بر این، این متغیر در کلیه مناطق دچار حذف و یا تغییر همخوان پایانی /n/ نیز می شود. در چهار روستایی که همخوان انسدادی /t/ حذف نمی شود، زنجیره آوایی 'an' به /ũ/ تبدیل می شود و این واژه به صورت /ʔestekũ/ به کار می رود. در یازده روستای دیگر زنجیره آوایی 'an' به /ã/ تبدیل می شود و این واژه به صورت /ʔesekã/ به کار می رود و در شش روستای منطقه خرمدشت نیز همین صورت، همراه با کشش آوایی واکه هجای اول به صورت /ʔe:sekã/ به کار می رود. در نه روستای منطقه کوهبنان نیز، همخوان پایانی خیشومی /n/ به /m/ تبدیل و این واژه به صورت /ʔesekam/ به کار رود.

PH22 : $næzdik$: همخوان انسدادی /d/ فارسی معیار در کلیه مناطق مورد پژوهش حذف می شود. در هجده روستای مورد پژوهش، علاوه بر حذف همخوان میانی، واکه /æ/ به /e/ تبدیل می شود تا صورت زبانی /nezik/ به کار برود. واکه /æ/ فارسی معیار در نه روستای

خرمدشت دچار کشش آوایی می‌شود و این متغیر به صورت /næ:zik/ تلفظ می‌شود و در سه روستای سر آسیاب، درب جیزی و درب هود صورت /næ:zik/ به کار می‌رود.

PH23 : xoʃk : همخوان انسدادی /k/ فارسی معیار در جایگاه پایانی به جز در پنج نقطه خرمدشت که در آن‌ها صورت /xo:ʃk/ کاربرد دارد، در سایر مناطق مورد پژوهش حذف می‌شود. بنابراین حذف همخوانی رخ داده است و این واژه به صورت /xoʃ/ تلفظ می‌شود.

PH24 : tævæqoʔ : همخوان انسدادی /ʔ/ فارسی معیار در کلیه مناطق مورد پژوهش حذف می‌شود. این حذف در پنج روستای کوهبنان باعث کشش جیرانی واکه /o/ می‌شود و این متغیر به صورت /te:væqo:/ به کار می‌رود. در سایر روستاهای مناطق مورد پژوهش واکه /o/ به /a/ تبدیل می‌شود. علاوه بر این در هفت روستای خرمدشت واکه /e/ هجای اول دچار کشیدگی واکه‌ای نیز می‌شود و این متغیر به صورت /te:væqa/ به کار می‌رود و در هجده روستای باقی مانده صورت /te:væqa/ کاربرد دارد.



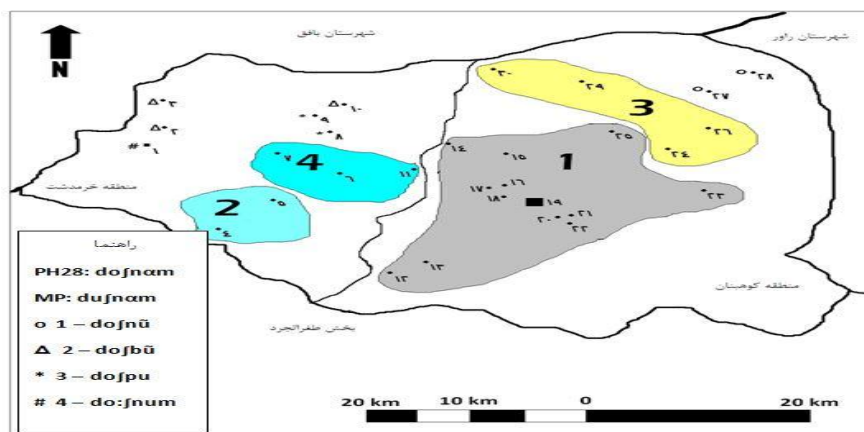
نقشه ۹. نقشه توزیع متغیر واجی /tævæqoʔ/

PH25 : kæfʃ : همخوان سایشی /f/ فارسی معیار در تمام مناطق مورد پژوهش حذف می‌شود. واکه /æ/ هجای اول در سیزده منطقه تبدیل به واکه مرکب /eu/ می‌شود و این واژه به صورت /keuʃ/ به کار می‌رود. در شش منطقه دیگر نیز مرکب‌شدگی واکه‌ای رخ می‌دهد و واکه /æ/ فارسی معیار به واکه مرکب /ou/ تبدیل می‌شود. در این شش منطقه صورت زبانی /kouʃ/ کاربرد دارد. واکه /æ/ فارسی معیار در هفت منطقه بدون تغییر باقی می‌ماند و صورت /kæfʃ/ کاربرد پیدا می‌کند و در چهار منطقه دیگر به واکه ساده /e/ تبدیل می‌شود (/kef/).

PH26 : ʔemruz : همخوان سایشی /z/ در تمامی مناطق مورد پژوهش حذف می‌شود. این حذف به جز در هفت نقطه کوهبنان که اهالی شان این واژه را به صورت / ʔemru / به کار می‌برند، در سایر مناطق مورد پژوهش حذف همخوان خیشومی /m/ را نیز به همراه دارد. علاوه بر این در هشت روستای خرم‌دشت واکه /e/ نیز کشیده می‌شود و صورت / ʔe:ru / کاربرد دارد و در سایر مناطق مورد پژوهش صورت / ʔeru / به کار می‌رود.

PH27 : behtær : همخوان سایشی /h/ فارسی معیار به جز در شش نقطه خرم‌دشت که باقی می‌ماند در سایر مناطق مورد پژوهش حذف می‌شود و صورت / be:tær / کاربرد دارد. در شش روستایی که همخوان سایشی /h/ حذف نمی‌شود صورت / be:htær / کاربرد دارد.

PH 28 : do:ɸnam : همخوان خیشومی /m/ در بیشتر مناطق حذف می‌شود. علاوه بر این حذف، واکه /a/ در کلیه مناطق مورد پژوهش افزایش یافته و به صورت /u/ تلفظ می‌شود. به عبارت دیگر، زنجیره آوایی 'am' به جز در روستاهای چهار نقطه خرم‌دشت که صورت / do:ɸnum / را به کار می‌برند، در سایر مناطق مورد پژوهش تبدیل به واکه /ũ/ می‌شود. بنابراین، در پانزده نقطه صورت / do:ɸnũ /، در شش نقطه / do:ɸpũ / و در پنج نقطه خرم‌دشت / do:ɸbũ / کاربرد دارد.



نقشه ۱۰. نقشه توزیع متغیر واجی / do:ɸnam /

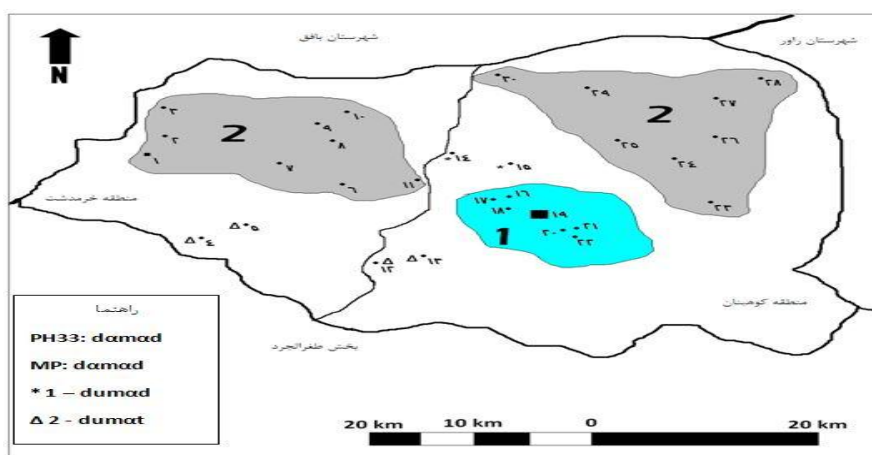
PH29 : dʒæɸn : همخوان خیشومی /n/ در گروه صوتی /ɸn/ در کلیه مناطق مورد پژوهش حذف می‌گردد. بنابراین، این واژه در تمامی مناطق مورد پژوهش به صورت / dʒæɸ / به کار می‌رود.

PH30 : [æ]var : همخوان /l/ در بیست نقطه مورد پژوهش حذف می‌شود تا این متغیر به صورت / [sæ]var / به کار رود. این همخوان در چهار نقطه کوهبنان به صورت معیار باقی می‌ماند تا صورت / [æ]var / به کار رود و در شش روستای دیگر به همخوان روان /r/ تبدیل می‌شود (/ [sæ]rvar /).

servæt : PH32 særma : PH31

همخوان روان /r/ در جایگاه میانی در کلیه مناطق حذف می‌شود. حذف این همخوان باعث کشیدگی واکه ماقبل از آن می‌شود و صورت‌های / [sæ:ma] / و / [se:væt] / به کار می‌روند. یکی دیگر از فرایندهای همخوانی مشاهده شده در گویش کوهبنانی تبدیل همخوانی می‌باشد:

PH33 : [damad] : همخوان /d/ به جز در نه روستای منطقه کوهبنان که حفظ شده است، در سایر مناطق تبدیل به /t/ می‌شود. علاوه بر این، واکه /a/ به /u/ تبدیل می‌شود. بنابراین در نه روستای کوهبنان صورت / [dumat] / و در سایر مناطق صورت / [dumat] / کاربرد دارد.



نقشه ۱۱. نقشه توزیع متغیر واجی / [damad] /

PH34 : [tabestan] : همخوان /b/ به جز در منطقه خرم‌دشت که باقی می‌ماند و کاروانگاه، عباس آباد و گردو کج که حذف می‌شود، در سایر مناطق مورد پژوهش به /v/ تبدیل می‌شود. علاوه بر این، در تمامی مناطق زنجیره آوایی / [an] / هجای پایانی به واکه خیشومی شده / [ũ] / تبدیل می‌شود. در مناطقی که همخوان /b/ به /v/ تبدیل می‌شود، هجای اول طی فرآیند افزایشی - پیشین شدگی به /e/ تبدیل می‌شود و این متغیر به صورت / [tevesũ] / به کار

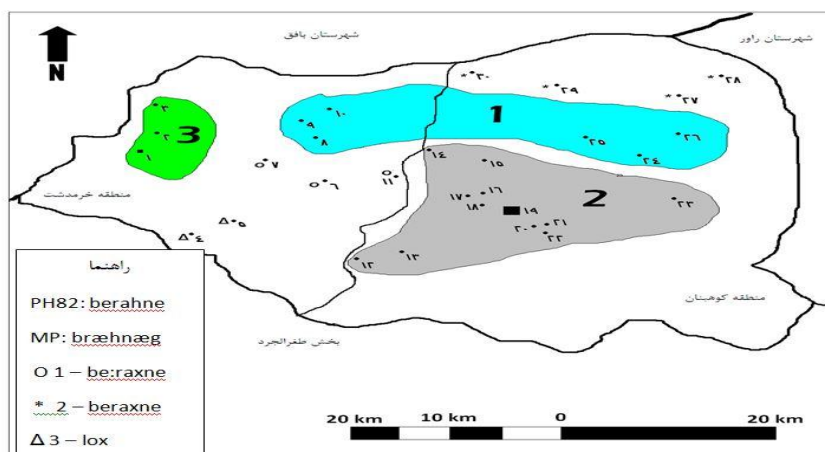
می‌رود. در سه روستایی که همخوان انسدادی /b/ حذف می‌شود، واژه مرکب /ou/ جایگزین /a/ می‌شود تا صورت /tousũ/ به کار رود و در هشت روستای خرمداشت صورت /tabesũ/ کاربرد دارد.

PH35 : quɫf: همخوان انسدادی بی‌واک /q/ در کلیه مناطق مورد پژوهش، به همخوان /ɣ/ تبدیل می‌شود. بنابراین، این واژه در تمام مناطق به صورت /ɣuɫf/ به کار می‌رود.

PH36 : lægæd: همخوان انسدادی /g/ در تمامی مناطق به همخوان /ɣ/ تبدیل می‌شود. علاوه بر تبدیل همخوان /g/ به /ɣ/، واژه /æ/ هجای اول نیز طی فرآیند افزایشی واکه‌ای تبدیل به /e/ می‌شود. بنابراین، این واژه در تمامی مناطق به صورت /leyæt/ به کار می‌رود.

PH37 : mive: همخوان /v/ در کلیه مناطق به /b/ تبدیل می‌شود. این متغیر در هشت نقطه به صورت /mibe/ به کار می‌رود. در چهارده روستای دیگر که واژه /i/ هجای اول دچار افتادگی می‌شود و به صورت /e/ تلفظ می‌شود. این متغیر به صورت /mebe/ به کار می‌رود و در هشت نقطه دیگر که این واژه تبدیل به واژه /ej/ می‌شود، صورت /mejbe/ کاربرد دارد.

PH38 : beræhne: همخوان /h/ در اکثر نقاط مورد پژوهش به /x/ تبدیل شده است. در روستا علاوه بر تبدیل همخوانی، واژه ابتدایی این واژه نیز به صورت کشیده تلفظ می‌شود (/be:ræxne/). در هفت نقطه نیز صورت /lox/ به جای این واژه به کار می‌رود که یک متغیر واژگانی محسوب می‌شود و در سایر مناطق مورد پژوهش صورت /beræxne/ کاربرد دارد.

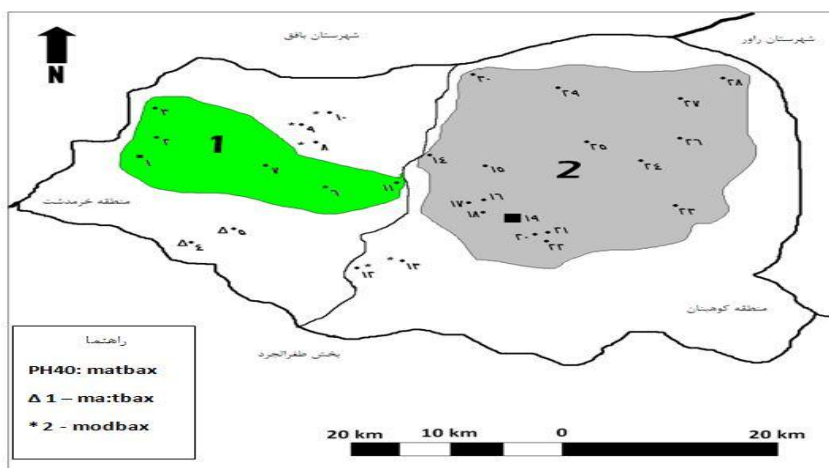


نقشه ۱۲. نقشه توزیع متغیر واجی /beræhne/

PH39 : *divar* : همخوان /t/ به جز در هفت نقطه کوهبنان که تغییر نمی‌کند و اهالی آن‌ها صورت معیار را به کار می‌برند، در سایر نقاط مورد پژوهش تبدیل به همخوان /l/ می‌شود. بنابراین، این متغیر در بیست و سه روستابه صورت /dival/ کاربرد دارد.

در ادامه به تعدادی از فرآیندهای همگون‌سازی در گویش کوهبنانی اشاره خواهد شد.

PH40 : *mætbæx* : همخوان انسدادی /t/ به جز در یازده روستای خرم‌دشت که به صورت فارسی معیار کاربرد دارد، در بقیه نقاط طی فرآیند همگونی تبدیل به همخوان واک‌دار خود یعنی /d/ می‌شود. واک‌دار بودن همخوان /b/ هجای دوم باعث می‌شود تا همخوان مجاور آن - یعنی همخوان /t/ - ویژگی بی‌واکی خود را از دست بدهد و ویژگی واک‌داری دریافت کند و در نتیجه همخوان /t/ تبدیل به همخوان واک‌دار متناظر خود یعنی همخوان /d/ می‌شود. در منطقه کوهبنان، این همگونی همراه با افراستگی - پسین شدگی واکه ماقبل آن می‌باشد و در نتیجه این متغیر در بیست و یک نقطه کوهبنان به صورت /modbæx/ به کار می‌رود. در یازده روستای خرم‌دشت تنها واکه /æ/ معیار به صورت کشیده تلفظ می‌شود. بنابراین، این واژه در این منطقه به صورت /mæ:tbæx/ به کار می‌رود.



نقشه ۱۳. نقشه توزیع متغیر واجی /mætbæx/

PH41 : *zænbur* : همخوان خیشومی لثوی /n/ در تمامی مناطق، طبق همگونی پیش‌رو به /m/ تبدیل می‌شود. بنابراین این واژه در تمامی نقاط مورد پژوهش به صورت /zænbur/ به کار می‌رود.

در ادامه نمونه هایی از فرآیند قلب همخوانی در گویش کوهبنانی ارائه خواهد شد.
 PH42 : *sofre*: همخوان های /r/ و /f/ به جز در هشت نقطه کوهبنان که تغییری نمی کنند و صورت معیار کاربرد دارد، در سایر مناطق طبق فرآیند قلب واجی با هم جابه جا می شوند. بنابراین، این واژه در بیست و دو نقطه به صورت /*sorfe*/ به کار می رود.

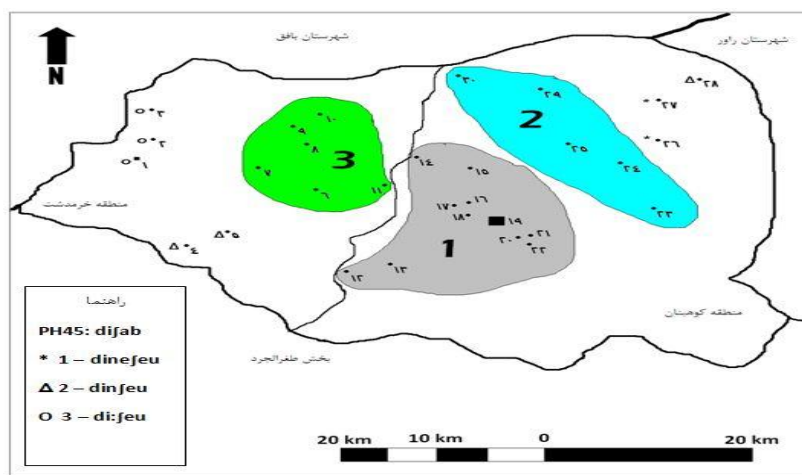
در این قسمت نمونه هایی از فرآیند درج همخوانی در گویش کوهبنانی ارائه خواهد شد.
 PH43 : *balef*: در تمامی مناطق مورد پژوهش، همخوان /t/ به پایان این واژه اضافه می شود و این واژه به صورت /*baleft*/ به کار می رود. البته، در شش نقطه حرم دشت واکه /a/ هجای اول به صورت کشیده تلفظ می شود و در نتیجه صورت /*ba:left*/ کاربرد دارد.
 در گویش کوهبنانی می توان به متغیرهای زبانی دست یافت که یک همخوان به همان صورت دوره میانه خودش کاربرد دارد نه به شکل فارسی معیار. در واقع در این متغیرهای زبانی، همخوان های دوران میانه که در فارسی جدید تغییر کرده اند، در گویش کوهبنانی ثابت باقی مانده اند. در این جا به سه نمونه از این داده ها اشاره خواهیم کرد.

PH44 : *gusfænd*: صورت فارسی میانه این متغیر /*guspænd*/ (مکنزی، ۱۳۷۹: ۲۹۶) بوده است. این متغیر نشان می دهد که همخوان /f/ فارسی معیار به جز در هشت نقطه کوهبنان که باقی می ماند، در سایر مناطق مورد پژوهش تبدیل به همخوان /p/ فارسی میانه می شود. علاوه بر این، گروه صوتی /*nd*/ پایانی نیز در تمام مناطق مورد پژوهش تبدیل به واکه خیشومی شده /*ã*/ می شود و در تعدادی از روستاهای خرم دشت، واکه /u/ به صورت کشیده تلفظ می شود. بنابراین، این متغیر به صورت های /*gusfã*/، /*gu:spã*/ و /*guspã*/ کاربرد دارد.

۳.۳. متغیرهای مربوط به ساخت هجا

هجا در فارسی عبارت از یک رشته واجی پیوسته است که از یک واکه و یک تا سه همخوان تشکیل می شود. منظور از رشته واجی پیوسته آن است که اجزای سازنده هجا طی یک فرآیند تولیدی بدون مکث تولید می شوند. واکه، مرکز، هسته یا محور هجاست و همخوان حاشیه یا دامنه آن است. در فارسی امروز کوچک ترین هجا دارای ساختمان /CV/ است و بزرگ ترین نیز /CVCC/ می باشد (مشکوه الدینی، ۱۳۸۴). در این قسمت نمونه هایی از فرآیندهای مربوط به ساخت هجا از قبیل درج و حذف هجا در گویش کوهبنانی ارائه خواهد شد.

PH45 : $dij\text{æ}b$: در سیزده روستای منطقه کوهبنان یک هجای مستقل $/ne/$ بین دو هجای این واژه درج می‌شود. علاوه بر این، در کلیه مناطق همخوان $/b/$ پایانی این متغیر حذف و واکه $/æ/$ هجای دوم نیز به واکه مرکب $/eu/$ تبدیل می‌شود. بنابراین، این متغیر در این سیزده منطقه به صورت $/dine\text{f}eu/$ به کار می‌رود. در هشت روستای دیگر درج یک همخوان میانجی $/n/$ به این واژه باعث کاربرد صورت $/din\text{f}eu/$ می‌شود. در نه روستای منطقه خرم-دشت که هیچ گونه درج همخوانی یا هجایی دیده نمی‌شود، صورت $/di:\text{f}eu/$ به کار می‌رود.



نقشه ۱۴. نقشه توزیع متغیر واجی $/dij\text{æ}b/$

PH46 : $dæqiqe$: ساختار هجای این واژه به صورت CV, CV, CV می‌باشد که در گویش کوهبنانی هجای باز میانی این واژه در تمامی مناطق حذف می‌شود. در منطقه خرم‌دشت و برخی نقاط کوهبنان این حذف همراه با کشیده شدن واکه هجای اول واژه نیز می‌باشد. به طوری که در دوازده نقطه، صورت $/dæ:qe/$ و در سایر مناطق صورت $/dæqe/$ کاربرد دارد.

۴. نتیجه گیری

نتایج حاصل از بررسی شواهد زبانی نشان می‌دهد که گویش کوهبنانی در دو منطقه کوهبنان و خرم‌دشت به صورت یکپارچه می‌باشد و واحدهای زبانی تا حد زیادی مشابه به هم به کار می‌روند؛ اما به جهت وجود برخی تفاوت‌های قابل ملاحظه در رفتار زبانی گویشوران در این دو منطقه می‌توان قائل به وجود دو لهجه متفاوت در این دو منطقه شد. دلیل این

تفاوت‌های لهجه‌ای، همجواری منطقه خرم‌دشت با استان یزد و تاثیرپذیری گویش کوهبنانی این منطقه از گویش یزدی می‌باشد. نتایج حاصله از بررسی صورت‌های آوایی نشان می‌دهد که فرایندهای افزایش و افتادگی واکه‌ای و همچنین کشش واکه‌های ساده، نسبت به سایر فرایندهای واکه‌ای از بسامد بالاتری برخوردارند. در رابطه با فرایندهای همخوانی نیز فرآیند حذف همخوانی پربسامدترین فرآیند در گونه کوهبنانی محسوب می‌شود. بررسی اطلس گویشی منطقه بیان‌گر این است که فرآیند حذف همخوانی در هر دو منطقه بسامد بالایی دارد؛ این فرآیند در مورد همخوان‌های پایانی بیش از سایر همخوان‌ها دیده می‌شود. فرآیند حذف همخوان‌های روان /r/ و /l/ که از بسامد پایین‌تری نسبت به سایر فرایندهای حذف برخوردارند، نمونه‌هایی از فرآیند حذف در موضع میانی یا پایانی واژه‌ها در اکثر مناطق مورد پژوهش را نشان می‌دهند. در گونه کوهبنانی همچون اکثر گویش‌های استان کرمان تمایل زیادی از جانب گویش‌وران برای پیروی از اصل کم‌کوشی زبان وجود دارد و به همین دلیل فرآیند حذف همخوانی را می‌توان در اکثر واژگان مورد استفاده در هر دو بخش مورد پژوهش مشاهده کرد. دومین فرآیند پربسامد واجی در گونه کوهبنانی فرآیند تبدیل همخوانی می‌باشد که در اکثر موارد به پیروی از اصل رسایی رخ می‌دهد؛ این فرآیند نیز به واسطه پیروی گویش‌وران این مناطق از اصل کم‌کوشی زبان و به منظور تسهیل در تلفظ واژگان و سریع‌تر صحبت کردن، ایجاد می‌شود. در مقابل، فرایندهای درج همخوانی و همگونی همخوانی بسامد پایین‌تری در هر دو منطقه مورد پژوهش دارند. علاوه بر این، نتایج حاصله همچنین نشان می‌دهد که هر چند آثار به جا مانده از فارسی میانه در گونه کوهبنانی ناچیز است؛ اما همچنان می‌توان مواردی را یافت که همخوان‌های دوران میانه زبان فارسی که در فارسی معیار به همخوان‌های دیگر تبدیل شده‌اند، در گونه کوهبنانی این دو منطقه همچنان باقی مانده است.

کتابنامه

- ارانسکی، یوسیف، ام، (۱۳۸۶)؛ زبان‌های ایرانی؛ ترجمه علی اشرف صادقی؛ تهران: انتشارات سخن.
 پرمون، یدالله، (۱۳۸۵)؛ طرح ملی اطلس زبانی ایران؛ اصفهان.
 جهانگیری، نادر، «لهجه شناسی و جغرافی»، مجموعه مقالات سمینار جغرافی (۱)، ۱۳۶۵، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
 حق شناس، علی محمد، (۱۳۸۰)؛ آواشناسی (فونیتیک)؛ تهران: انتشارات نقش جهان.

سامارین، ویلیام، ج، (۱۳۸۹)؛ زبان‌شناسی عملی: راهنمای بررسی گویش‌ها؛ ترجمه لطیف عطاری؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کامری، برنارد، (۱۳۷۸)؛ اطلس زبان‌ها؛ ترجمه ارسلان گلفام؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مشکوه‌الدینی، مهدی، (۱۳۸۴)؛ ساخت آوایی زبان؛ مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

مکنزی، دیوید نیل، (۱۳۷۹)؛ فرهنگ کوچک زبان پهلوی؛ ترجمه مهشید میرفخرایی؛ تهران: انتشارات رهنما.

الیاسی، محمود، «اطلس زبانی منطقه حد فاصل شهر تربت جام و شهر مشهد (بر پایه اطلس زبانی انگلستان)»، همایش زبان‌ها و گویش‌های کویری ایران، ۱۳۹۱، ش ۲۲، ص ۴۶ تا ۲۸.

Blench, R (2009). The linguistic geography of Nigeria and its implications for prehistory. Sheffield University on Nigerian Prehistory.

Brewer, W. A (2008) Mapping Taiwanese. Institute of Linguistics. Academia Sinica. Taiwan.

Carr, Ph (2006). Modern linguistic Phonology. Palgrave publications.

Chambers, J. K & Trudgill, D (2004) 'Dialectology'. (2nd Ed) . Cambridge: Cambridge University Press.

Johanson, L (2001). Discoveries on the Turkic Linguistic Map. Swedish Research institute in Istanbul, Turkey.

Kurath, H (1949). A Word Geography of the Eastern United States. Ann Arbor: University of Michigan Press.

Orton, H.Sanderson, S.Widdowson, J (1978). The Linguistic Atlas of England. 2nd edition. Routledge.

Trask, R. L (2007). Language and linguistics: The key concepts. 2nd edition. Routledge.